

آسیب‌شناسی خیریه‌ها در بستر نظریه تکافل اجتماعی

محمد رضا آرام

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی و عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) m.aram@isu.ac.ir

چکیده

خیریه‌ها تاکنون نقش مؤثری در گسترش امور خیر در جامعه ایفا کرده‌اند، اما دچار آسیب‌هایی روشی و محتوایی شده‌اند. مسأله اصلی این پژوهش این است که بهترین راه ترویج امر خیر و نیکوکاری در جامعه اسلامی چیست؟ این مقاله بر مبنای مفهومی نیازهای انسان استوار است. در این پژوهش با استفاده از نظریه سیستم‌ها، آیات و روایات موجود درباره امور خیر و نیکوکاری با تأکید بر فلسفه و کارکرد تشریع آنها در چارچوب نظریه تکافل اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند. با استفاده از این رویکرد به فهم درستی از معنای حقیقی امر خیر در منظومه قرآن و عترت دست یافته، وضع موجود خیریه‌ها را مورد ارزیابی و نقد قرار می‌دهیم و به وضع مطلوب تکافل اجتماعی دست می‌یابیم. تمرکز بر افراد به جای اشخاص، شفافیت پایین، مشکلات مالی و عدم اتصال شبکه‌ای مهمترین آسیب‌های روشی خیریه‌ها هستند. باقی ماندن بخشی از نیازهای مادی نیازمند و بی‌توجهی به نیازهای غیرمادی او، استمرار روابط ناعادلانه در توزیع اولیه منابع و بی‌نصیب ماندن فرد نیکوکار از فواید ارتباط مستقیم با نیازمندان، مهمترین آسیب‌های محتوایی خیریه‌ها محسوب می‌شوند. بنابراین نهادهای خیریه راهکاری اولی برای ترویج امر خیر و نیکوکاری در جامعه اسلامی محسوب نمی‌شوند. تأکید بر احیا و تقویت نهادهای فعال در حوزه تکافل اجتماعی به عنوان نهادهایی که هر فرد به طور اصیل عضو آنهاست، مثل نهاد خانواده، نهاد خویشاوندی، نهاد عشیره، نهاد همسایه، نهاد دوستی و نهاد اخوت و برادری دینی، راهکار اصلی و اولیه اسلام برای گسترش خیرات و مبرات در جامعه اسلامی است. نهادهای خیریه با تأکید بر نقش واسطه‌گری خود در معرفی گروه‌ها و مناطق محروم و بی‌کس و کار به افراد خیر و نیکوکار، می‌توانند نقش مکملی در تقویت نهاد اخوت و برادری ایفا کنند.

واژگان کلیدی:

آسیب‌شناسی؛ خیریه؛ تکافل اجتماعی؛ تکافل؛ اسلام

مقدمه

یکی از نهادهای مهم در جوامع مدرن برای یاری‌رسانی و نیکوکاری، نهاد خیریه است. جوامع مدرن و صنعتی در پاسخ به شکاف روزافزون میان طبقه دارا و ندار، با مبانی اومانیستی و انسان‌دوستانه خود درصدد یاری به محرومان جامعه برآمدند. تأسیس دولت‌های رفاهی و خیریه‌ها از راهکارهای این جوامع برای پرکردن این خلاء بود. درحقیقت آنها به دنبال کمک به تعداد بیشتری از فقرا هستند نه حل مبنایی معضله فقر و محرومیت. بنابراین این راهکارها را می‌توان به مثابه مُسکن‌هایی برای کاهش اثرات آسیب‌های اجتماعی قلمداد کرد.

نهادهای خیریه روز به روز گسترده‌تر می‌شوند و گستره بیشتری از نیازمندان را تحت پوشش خود قرار می‌دهند. این نهاد هرچند تاکنون توانسته است سهمی مؤثر در کاهش محرومیت از اقشار نیازمند ایفا کند، اما دچار آسیب‌های محسوس و نامحسوس فراوانی شده است. بی‌توجهی به این آسیب‌ها و عدم اقدام جدی برای رفع آنها، باعث انحراف از کارکردهای اصلی مورد نظر اسلام از امر خیر در جامعه می‌شود. لذا شناسایی آسیب‌های خیریه‌ها و تلاش برای رفع آنها از منظر نظریه اصیل اسلامی تکافل اجتماعی، امری ضروری است. به تعویق انداختن این آسیب‌شناسی و حل آن قطعاً آثار مخرب کوتاه‌مدت و بلندمدتی در پی خواهد داشت.

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از این که خیریه‌ها از منظر نظریه تکافل اجتماعی چه آسیب‌های کلانی دارند؟ برای پاسخ به این سؤال مهم باید متعزّض سه پرسش فرعی شویم: اول. آسیب‌های شکلی یا روشی خیریه‌ها چیست؟ دوم. آسیب‌های محتوایی خیریه‌ها چیست؟ سوم. راهکار برون‌رفت از آسیب‌های خیریه‌ها چیست؟ برای پاسخ به این سؤالات مهم با مبنا قراردادن نیازهای انسان و شناسایی ابعاد و اقسام آنها به مثابه چارچوب نظری و طرح مبحث تکافل اجتماعی به عنوان چارچوب مفهومی پژوهش، به آسیب‌شناسی خیریه‌ها و ارائه بدیل‌های بهتر با استفاده از نظریه سیستم‌ها می‌پردازیم.

۱- چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله مبتنی بر نظریه نیازهای انسان است. لازمه تحقق یک هدف را نیاز می‌نامیم. به عنوان مثال برای رسیدن به هدف سیری، نیاز به غذا داریم. نیاز را می‌توانیم مرادف خواسته، احتیاج یا حاجت بدانیم. فی‌الواقع هر فعل انسان برای تأمین یک نیاز صورت می‌گیرد. اگر امر خیر و نیکوکاری را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأمین نیازهای بشری بدانیم، می‌توانیم برای تأمین نیازها چارچوبی نظری پی‌ریزی کنیم. با مبنا قرار دادن مفهوم نیاز به موازن خوبی برای فهم و گفتمان‌سازی خیرات و میراث در جامعه دست می‌یابیم. یک نظریه برای تأمین نیازهای بشری باید ویژگی‌های زیر را دارا باشد.

۱-۱. حل دایمی نیازها

تأمین برخی نیازها یا حلّ پاره‌ای از مشکلات در نهادهای اجتماعی باید دایمی باشد نه موقتی و برای دوره زمانی خاص. تحقق این مهم معلول شناسایی دقیق مشکلات و علت بروز آنهاست. امر خیر و نیکوکاری هم از این قاعده مستثنی نیست. بهترین خیرات، اموری هستند که به حل سرمنشأ بروز مشکلات و نیازها در افراد نیازمند منجر می‌شود. در این رویکرد به جای پرداختن به نیاز موجود فرد، عامل ایجاد نیازها و مشکلات جدید (مثل سبک زندگی غلط) در او از بین می‌رود. در صورت رعایت نکردن این اصل، امر خیررسانی به پدیده‌ای گذرا و موقت تبدیل می‌شود. در دستورات دینی هم به التزام خیرین به این اصل تأکید شده است که کمک نکردن به فرد نیازمند به مراتب بهتر از خیررسانی مقطعی به افراد نیازمند و محروم است. امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر خود اینگونه درباره یتیمان وصیت می‌کنند: «شما را به خدا قسم می‌دهم که نیازهای یتیمان را به طور مستمر تأمین کنید. اینطور نباشد که یک روز سیر و یک روز گرسنه بمانند» (شریف الرضی: ۱۴۱۴ق: ص ۴۲۱).

۲-۱. حل نیازها در رابطه‌ای همسو

تأمین نیاز یا حل مشکل نباید در رابطه‌ای متعارض صورت پذیرد. نهاد مطلوب نهادی است که حل نیازهای محوله در آن، تا جای ممکن باعث ایجاد نیازها و مشکلات جدیدی نشود. امر خیر و نیکوکاری در جامعه باید رویکردی «حل المسایلی» داشته باشد به نحوی که انجام یک امر خیر و نیکو، باعث ایجاد نیازها و مشکلات جدید نشود. به عنوان مثال کمک مادی به افرادی که توانایی کار دارند، می‌تواند باعث ایجاد مشکل جدیدی به نام تنبلی در این افراد شود.

۳-۱. حل نیازهای حقیقی و سرکوب نیازهای کاذب

نیازها را می‌توان از حیث میزان همسویی آنها با هدف یا اهداف غایی فرد به نیازهای حقیقی و نیازهای کاذب تقسیم‌بندی کرد. هدف غایی به معنای آن هدفی است که وسیله تحقق هیچ هدف دیگری نیست و ارزش ذاتی دارد و به تمام وسایل پیشین خود، اعتبار می‌دهد. فرد تمام اقدامات و فعالیت‌های خود را برای رسیدن به آن معطوف می‌کند و تنها با رسیدن به آن است که احساس آرامش و رضایت‌خاطر می‌کند. بنابراین نیازهای حقیقی، نیازهایی هستند که در راستای تحقق هدف غایی انسان است. نیازهای کاذب، نیازهایی هستند که در راستای تحقق هدف غایی انسان نیست.

از نتایج مهم این تقسیم‌بندی این است که هر نیاز یا خواسته‌ای به رسمیت شناخته نمی‌شود. تنها نیازهایی به رسمیت شناخته می‌شوند که در راستای تحقق هدف غایی یا نیاز حقیقی فرد باشد. بنابراین نیازی به پاسخگویی به همه نیازهای بشر وجود ندارد. تکافل و خیررسانی در نیازهای کاذب یا به عبارت دیگر خواسته‌های نامشروع دیگران، مردود و مذموم است و نتایج ناگواری برای جامعه به ارمغان می‌آورد.

معصومین (علیهم السلام) به شدت از یاری و نیکوکاری در حقّ ظالمین نهی کرده‌اند. از امام صادق(ع) نقل شده است که: «حتی در ساختن مسجد هم به ظالمان کمکی نکنید» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ص ۱۸۰). فقهای شیعه ذیل همین مبحث قاعده «حرام بودن یاری در گناه» را استنباط کرده‌اند. شیخ طوسی با استناد به این قاعده، فتوا به حرمت بخشیدن زکات به فقیری که مرتکب گناهان است و حرمت کمک و نیکی در حقّ ظالمان و گرفتن دستمزد از آنها می‌دهند (طوسی، ۱۳۸۷ه.ق، ج ۲: ص ۶۲).

تلاش برای شناسایی درست نیاز واقعی و اصلی هر فرد و کمک به او برای تأمین آن نیاز را امر خیر و نیکوکاری می‌نامیم. بنابراین یاری دیگران در تأمین نیازهایشان در هر مرحله از نیازهای فیزیولوژیکی، امنیتی، تعلق، احترام و خودشکوفایی هرم مازلو (Maslow, 1970: 51-171)، نیکوکاری محسوب می‌شود.

۲- روش‌شناسی

چارچوب نظری به کار رفته در این مقاله بر اساس نظریه سیستم‌ها بنیان نهاده شده است. «لودیگ فون» زیست‌شناس و دانشمند اتریشی، از پایه‌گذاران نظریه عمومی سیستم‌ها در اوایل قرن ۲۱ محسوب می‌شود. به نظر برتالانفی که از پایه‌گذاران نظریه عمومی سیستم‌ها در قرن ۲۱

است، «اساسی‌ترین ویژگی موجودات در ماهیت سازمان تشکیل‌دهنده آنها نهفته است و برای بررسی آنها نباید تنها به بررسی یک جزء یا یک فرایند از آنها اکتفا کرد، بلکه بایستی سیستم در کلیت وجودیش مورد بررسی قرار گیرد» (زاهدی، ۱۳۸۹: ص ۲۶). پس، سیستم مجموعه‌هایی از عناصری است که با هم ارتباط متقابل دارند (برتالنفی، ۱۳۶۶، ص ۶۱). این نظریه، واحدها و زیرمجموعه‌های یک نظام را در ارتباط با همدیگر و در یک ترکیب کلی مورد توجه قرار می‌دهد. تجزیه و تحلیل یک سیستم به معنای شناخت جنبه‌های مختلف سیستم و آگاهی از چگونگی عملکرد اجزای تشکیل‌دهنده آن و بررسی کیفیت و کمیت میزان ارتباط میان آن اجزاء، به منظور دستیابی به مبنایی جهت طراحی و اجرای سیستمی مناسب‌تر است. تجزیه و تحلیل سیستم‌ها به ما کمک می‌کند تا وضعیت موجود را به خوبی درک و مورد آسیب‌شناسی قرار دهیم و برای حل مشکلات و رسیدن به وضع مطلوب، بهترین راه‌حل را انتخاب و تجویز نماییم (حسین‌پور، ۱۳۹۵).

اجزاء اصلی یک سیستم را عبارت‌است از ۱. درون‌داد (ورودی): آنچه وارد سیستم می‌شود و فعالیت سیستم را امکان‌پذیر می‌نماید. ۲. فرایند تبدیل: جریان تغییر و تبدیل آنچه وارد سیستم می‌شود. ۳. برون‌داد (خروجی): محصولاتی که پس از فرایند تبدیل، طبق نظم و سازمانی که بر سیستم حاکم است، به محیط صادر می‌شوند. ۴. بازخور: فرایندی دَوْرانی است که در آن بخشی از ستاده، به عنوان اطلاعات به درون‌داد بازخورنده می‌شود و به این ترتیب سیستم را «خودکنترل» می‌نماید. ۵. محیط سیستم: هر سیستم در محیطی قرار می‌گیرد که بر هم کنش و واکنش متقابل دارند (زاهدی، ۱۳۸۹: ص ۱۲-۹).

(تبیین یک سیستم را حداقل باید از سه دیدگاه و در سه سطح متفاوت انجام داد: ۱. از نظر جامعیت و کلیت خارجی سیستم و خواص مرتبط با آن. ۲. از نظر ساختمان داخلی سیستم و سهمی که عناصرش در کلیت بخشیدن به سیستم دارند. ۳. از دیدگاه تفسیر یک سیستم به‌عنوان عنصری سیستمی از یک سیستم بزرگتر) (فرشاد، ۱۳۶۲، ص ۴۳).

۳- چارچوب مفهومی

در اسلام اصل بر این است که هر فردی در درجه نخست مسئول اول و آخر تأمین نیازها و حل مشکلات شخصی خود است. حال اگر فردی به هر دلیلی نتوانست موفق به خودیاری شود، مسئولیت رفع نیازهای مختلف اجتماعی و خیررسانی در ابعاد و مراتب گوناگون را وظیفه‌ای عام، فراگیر و خدایندانه است که از آن به تکافل اجتماعی یاد می‌کنیم.

۳-۱. تعریف تکافل اجتماعی

«تکافل القوم به این معناست که با هم همزیستی و همیاری کردند و بعضی از آنها ضامن بعضی دیگر شدند. زمانی که فرزندان امتی با یکدیگر تکافل می‌کنند، تبدیل به قدرتی نفوذناپذیر می‌شوند» (بستانی، ۱۳۷۵: ص ۲۵۰). «تکافل اجتماعی به معنای دقیق کلمه عبارت‌است از اینکه هر فردی، در قبال جامعه خویش احساس مسئولیت‌هایی کند که باید آنها را ادا نماید. به طوری که اگر در انجام مسئولیت‌هایش کوتاهی کند، این امر باعث فروپاشی شالکه جامعه‌ی او و دیگران خواهد شد. از سوی دیگر هر فرد در جامعه از حقوقی برخوردار است، که افرادی که در رفع این حقوق توانمند هستند، باید حق هر صاحب‌حقی را بی‌کم و کاست به او دهند و مانع صدمه دیدن ضعفا شوند و مشکلات عاجزین را برطرف نمایند. اگر تکافل اجتماعی نباشد به مرور پایه‌های جامعه سست خواهد شد و باید شاهد سقوط آوار در آن باشیم» (ابوزهرة، ۱۹۹۱: ص ۷). «تکافل عام به معنای اصلی است که اسلام بر مسلمانان کفالت و پشتیبانی یکدیگر را واجب کفایی ساخته است. اسلام این همیاری را وظیفه هر مسلمان در حدود امکانات و توانش دانسته که باید آن را در هر حال انجام دهد، همان‌طور که دیگر کارهای واجبش را انجام می‌دهد» (الصدر، ۱۴۲۴هـ.ق، ج ۳: ص ۷۷۴).

در تعریف برگزیده نگارنده، تکافل اجتماعی به معنای شناسایی نوع و میزان نیازها و مشکلات یکدیگر برای خیررسانی چندجانبه میان افراد جامعه مدنی است، به طوری که تمام نیازهای افراد تأمین شود. این همیاری مدنی، در بستر نهادهای فعال در حوزه تکافل (مثل خانواده، همسایه، خویشاوندان، عشیره، دوستان، برادران دینی)، به مثابه کمرندهای حمایتی-نظارتی پیشادولتی انجام می‌شود. نقطه مقابل تکافل اجتماعی، فردگرایی و عقلانیت ابزاری قرار می‌گیرد که در آن منافع شخصی تعیین‌کننده نوع و میزان مناسبات اجتماعی است.

۳-۲. اقسام تکافل اجتماعی

همانگونه که نیازهای فرد به نیازهای مادی و نیازهای معنوی قابل تقسیم است، تکافل را هم می‌توان به دو گونه تکافل مادی و تکافل معنوی تقسیم‌بندی کرد. بنابراین نیازهای مادی، نیازمند تکافل مادی و نیازهای معنوی نیازمند تکافل معنوی است.

علت اهمیت تشخیص نوع نیاز دیگران در این است که در جایی که فرد نیازمند تکافل معنوی است اگر تکافل مادی صورت پذیرد، این امر می‌تواند باعث بروز آسیب‌ها و مشکلات جدیدی در وی شود. به عنوان مثال در جایی که علت ایجاد یک مشکل در فردی نه در عجز و ناتوانی او بلکه به

دلیل داشتن بیماری‌های روحی، روانی و شخصیتی‌ای نظیر تنبلی، ناآگاهی، خستگی، بی‌حوصلگی، افسردگی و ترس باشد، تکافل مادی هرچند ممکن است مشکل فعلی فرد را موقتاً مرتفع کند اما مشکلات جدیدتر و بزرگتری می‌آفریند که به مراتب ضرر بیشتری مترتب او می‌شود.

۳-۲-۱. تکافل مادی

هر گونه اقدام و تلاش برای تأمین نیازها یا حل مشکلات مادی و اساسی دیگران نظیر خوراک، پوشاک و مسکن را تکافل مادی می‌نامیم (السباعی، ۱۹۹۸م: ص ۱۷۵). این دسته از نیازها و مشکلات فوری و آشکار هستند. لذا عمده‌تاً تکافل به معنای تکافل مادی انصراف پیدا می‌کند.

۳-۲-۲. تکافل غیرمادی (معنوی)

هر نوع تلاشی برای تأمین نیازها و حل مشکلات روحی و معنوی دیگران -نظیر افسردگی، بی‌حالی، تنبلی و کمبود محبت- را تکافل معنوی می‌نامیم. تکافل معنوی بر پایه تراحم و ابراز محبت‌های دوجانبه بنا شده است (ذهبیات، ۱۴۲۵ق: ص ۷). لذا برخی تکافل معنوی را از این جهت که انسان احساس احترام و علاقه نسبت به دیگران می‌کند، تکافل اخلاقی نامیده‌اند (ذهبیات، ۱۴۲۵ق: ص ۲۱). در روایتی از پیامبر (ص) در تعریف صدقه آمده است که: «هر کار خیر و پسندیده‌ای مصداق صدقه است» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲: ص ۳۲۰).

از آنجایی که مشکلات روحی و معنوی زمینه‌ساز ایجاد بسیاری دیگر از مشکلات مادی هستند و حل آنها باعث حل دائم بسیاری دیگر از مشکلات می‌شود، تأمین نیازهای روحی و معنوی از اولویت و اهمیت بیشتری نسبت به تأمین نیازهای مادی برخوردار است. لذا احادیث فراوانی داریم که در آن افرادی جوان، توانا و آماده به کار، نزد حضرات معصومین (علیهم السلام) می‌رفته‌اند، ولی به جای کمک مادی به آنها کمک‌هایی معنوی نظیر ارشاد به کار و دادن ابزار تولید به آنها می‌کرده‌اند. فی الواقع به جای دادن ماهی به آنها، ماهی‌گیری یادشان می‌دادند. با این کار اولاً روحیه خودیاری در افراد احیا می‌شد و ثانیاً سرمنشأ حل دائم بسیاری از مشکلات مادی دیگر ایشان فراهم می‌شد.

۴- آسیب‌شناسی خیریه‌ها

هر امر و پدیده‌ای می‌تواند، دچار آسیب‌هایی شود. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه قاعده‌ای کلان بیان کرده‌اند: «لکلّ شیء آفة تفسده». هر چیز آفتی دارد که مایه فساد آن می‌شود» (پاینده، ۱۳۸۲: ص ۶۳۲). خیریه‌ها هم از این قاعده مستثنی نیستند. خیریه‌ها در چارچوب نظریه سیستم‌ها مبتلا به آسیب‌های روشی و محتوایی هستند.

۴-۱. آسیب‌های شکلی یا روشی

مقصود از آسیب‌های روشی، آسیب‌هایی هستند که به شیوه عملکرد خیریه‌ها مربوط می‌شوند. مسایل کسب و توزیع منابع و امکانات برای خیریه‌ها و نیازمندان را در آسیب‌های روشی این نهاد مطرح می‌شود.

۴-۱-۱. عدم اتصال شبکه‌ای خیریه‌ها

به دلیل عدم ارتباط و اتصال شبکه‌ای خیریه‌ها بایکدیگر و به اشتراک نگذاشتن لیست افراد تحت پوشش خود، برخی افراد نیازمند وسوسه می‌شوند تا از چند خیریه کمک مالی دریافت کنند. در یکی از گزارشات فردی، نیازمند در اثر نیاز همسرش به عمل جراحی با هزینه‌ای معادل یک میلیون تومان می‌شود. از آنجا که خیریه‌ها برای کمک به نیازمندان تا سقف خاصی می‌توانند پرداختی داشته باشند، این فرد پس از مراجعه به یکی از خیریه‌ها، تنها موفق به دریافت صد هزار تومان وجه نقد می‌شود. با مراجعه به خیریه‌های دیگر هزینه فرد نیازمند تأمین می‌شود ولی او به این روند ادامه می‌دهد تا جایی که ماهانه ۱۲ میلیون تومان از طریق خیریه‌ها کسب درآمد می‌کند (مصاحبه با خلیل‌زاده، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸). این مثال واقعی به خوبی ضعف روشی خیریه‌ها را نمایانگر می‌کند.

۴-۱-۲. تمرکز خیریه‌ها بر افراد به جای اشخاص

«در جوامع سنتی نقش اجتماعی (یا شخصیت) مهمتر از شخص است؛ فرد فقط در درون شبکه روابط اجتماعی خود جلوه و مقامی حقیقی دارد؛ او عضو جدایی ناپذیر پیوستاری ناگسستنی است که از وی فراتر می‌رود و او را در دل خود جای می‌دهد.

در جوامع مدرن، برعکس، «شخص» بر «شخصیت» مقدم است و فرد در گروه خود وضعیتی متزلزل دارد. او هویت‌های جمعی خود را از دست داده و -فاجعه اصلی در آن است که- به «یتیم جمع و مریض جامعه» بدل شده است» (بهنام، ۱۳۸۳: ص ۳۷ و ۳۸). خیریه‌ها عمده‌تاً افراد نیازمند و

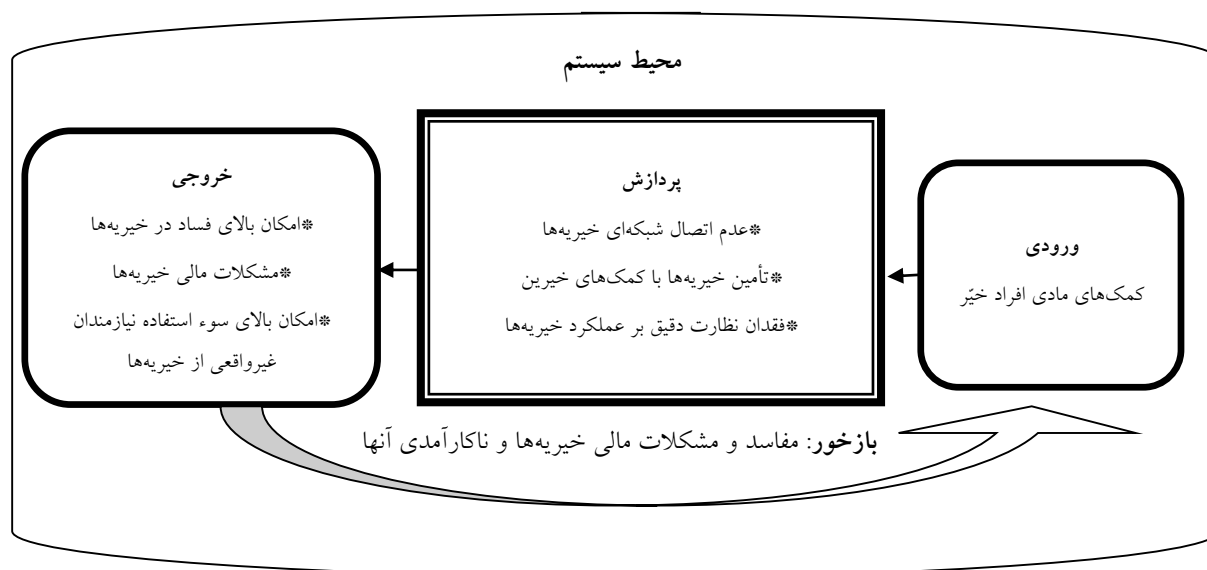
نیازهای فردی آنها را مشاهده می‌کنند و تلاش می‌کنند تا نیازهای خاص یک فرد را تأمین کنند، حال آنکه آسیب‌های اجتماعی ماهیتی شبکه‌ای و گروهی دارند. بنابراین برای حلّ اساسی و دایمی یک مشکل باید آن را توسط گروه‌هایی که هر فرد به طور اصیل عضو آنهاست و در آنها هویت و شخصیت پیدا می‌کند، برطرف نمود. بنابراین إحيای اشخاص بر إحيای توانمندسازی افراد مُنفرد اولویت دارد.

۳-۱-۴. شفافیت پایین

خیریه‌ها به دلیل ماهیت غیررسمی‌شان بیشترین ضعف را در زمینه اطلاع‌رسانی و شفافیت در فعالیت‌ها دارند. از آنجا که از الزامات کسب مجوز رسمی برای خیریه‌ها شفافیت است، بیشتر خیریه‌ها ترجیح می‌دهند به طور غیررسمی به فعالیت بپردازند (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۵: ص ۲۸۰). «بر اساس برآورد کمیته امداد، سهم این مؤسسه از کل صدقاتی که در کشور جمع‌آوری می‌شود ۱۵ درصد است و ۸۵ درصد باقیمانده سهم مؤسسات خیریه است که به علت فقدان نظارت بر عملکرد آنها در بسیاری از موارد مشخص نیست این وجوهات صرف چه مواردی می‌شود» (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۵: ص ۲۷۹). عدم شفافیت و گزارش‌هایی که هر چند وقت یکبار مبنی بر وجود فساد در برخی از خیریه‌ها باعث کاهش اعتماد عمومی نسبت به خیریه‌ها در کوتاه‌مدت و یأس و ناامیدی خیرین در بلندمدت می‌شود.

۴-۱-۴. مشکلات مالی

یکی دیگر از آسیب‌های شکلی یا روشی خیریه‌ها مشکلات مالی برای تأمین هزینه‌های روزمره مؤسسات و کارمندان آن است. لذا خیریه‌ها مجبور به تصرف در بخشی از دریافتی‌های خود از خیرین می‌کنند. در نتیجه «هزینه‌های بالاسری زیاد که لزوماً نسبتی با میزان ارایه خدمات هدفمند مؤسسات وقف و خیریه ندارد مانند هزینه‌های سنگین پرسنل و نیروی انسانی و نیز بسیاری دیگر از هزینه‌های مبهم و غیرشفاف این مؤسسات، سبب می‌شود تا بخش بزرگی از منابع موجود نیز به مخارج جاری اختصاص یافته و عملاً فضای کمتری برای رسیدگی به افراد نیازمند باقی بماند» (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۵: ص ۲۷۹).



شکل ۱: آسیب‌های شکلی یا روشی خیریه‌ها

۴-۲. آسیب‌های محتوایی

عمده آسیب‌شناسی‌ها از نهاد خیریه از نوع شکلی یا روشی و با پذیرش ساختار و سازوکار موجود این نهاد انجام شده است، حال آنکه در اینجا با آسیب‌شناسی محتوایی عمده آسیب متوجه اصل نهاد خیریه و فلسفه وجودی آن است. عمده این آسیب‌ها ناشی از عدم ارتباط رو در رو یا چهره به چهره فرد خیر و فرد نیازمند است. در دستورات اسلامی مجالست و همنشینی با فقرا و ارتباط مستقیم با آنها موضوعیت دارد. به عنوان مثال پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهند: «سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَاطَبُوا الْحُكَمَاءَ وَ جَالَسُوا الْفُقَرَاءَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ص ۴۱). از دانشمندان سؤال کنید،

با حکما گفتگو کنید و با فقرا نشست و برخاست و همنشینی نمایید. همچنین درباب صدقه دادن، ارتباط مستقیم با فرد نیازمند را شرط لازم صدقه دادن معرفی می‌کنند: «الْصَّدَقَةُ بِأَلَيْدٍ تَقِي مِيتَةَ السَّوْءِ وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ تَفُكُّ عَنْ لَحْيَيْ سَبْعِينَ شَيْطَاناً كُلُّهُمْ يَأْمُرُهُ أَنْ لَا يَفْعَلَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ص ۶۶). صدقه دادن با دست خویش از مردن در شرایط و اوضاع بد حفظ می‌کند، و هفتاد نوع از انواع بلا را برطرف می‌سازد، و از میان دو فک هفتاد شیطانی جدا می‌شود که همگی اقدام‌کننده به صدقه را به ترک آن فرمان می‌دهند.

مقصود از صدقه دادن با دست به این معنا نیست که با دست خود پول را به صندوق صدقات بیاوریم یا به حساب مؤسسات خیریه پول واریز کنیم. بلکه منظور در اینجا صدقه دادن با دست خود به فرد نیازمند در ارتباطی چهره به چهره است که این امر موضوعیت دارد. بخشی از این حدیث شریف که «صدقه هفتاد نوع بلا را دفع می‌کند» را می‌توانیم بر روی صندوق‌های صدقات ملاحظه کنیم، حال آنکه این فرایند کمک‌رسانی به محرومان یا شیوه‌های امروزی‌تر آن از طریق حساب‌های بانکی از آنجا که مانع ارتباط مستقیم طرفین می‌شود، بسیاری از فواید و کارکردهای مد نظر شارع بر آن بار نمی‌شود.

۴-۲-۱. عدم تأمین نیازهای غیرمادی

همانطور که گفتیم، مهم‌تر از نیازهای مادی افراد، نیازهای غیرمادی آنها نظیر عاطفه، محبت و اظهار همدردی است. نهادهای خیریه عاجز از سرکشی و اظهار محبت و همدردی با تمام افراد تحت پوشش خود هستند. چرا که این نیازها جز از طریق ارتباط مستقیم فرد خیر و نیازمند تأمین نمی‌شود.

۴-۲-۲. باقی ماندن بخشی از نیازهای مادی

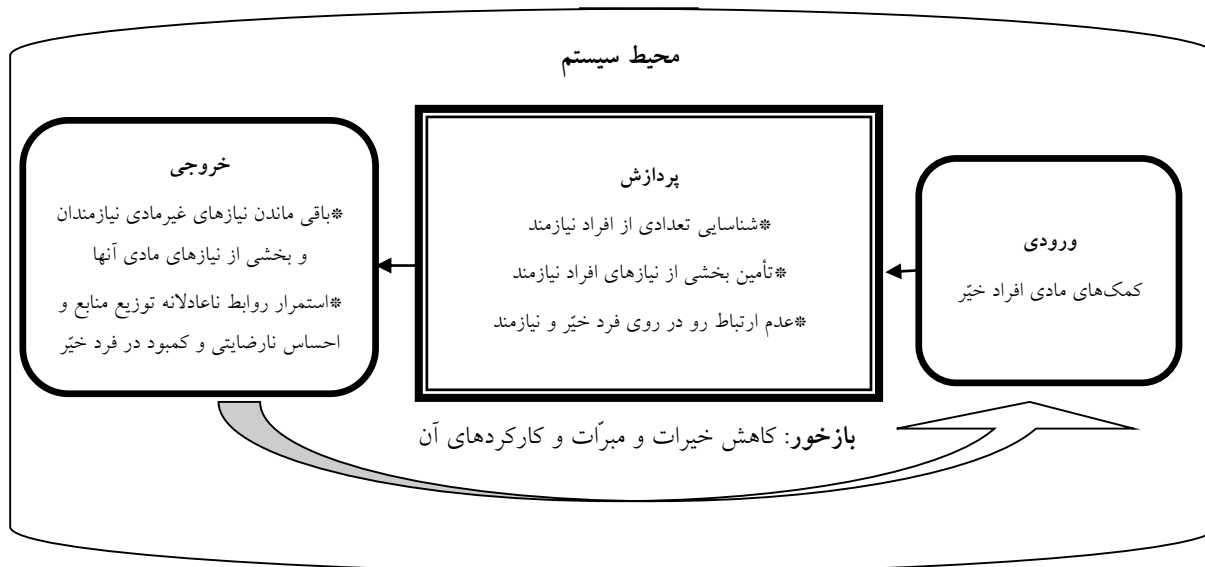
نهادهای خیریه برای کمک‌رسانی به افراد تحت پوشش خود اولاً دچار محدودیت‌ها و ثانیاً عاجز از فهم اختلاف نیازهای میان افراد مختلف هستند. حال آنکه در اثر ارتباط مستقیم و آمد و شد فرد خیر با فرد نیازمند، با آگاهی از نوع و میزان نیاز مادی و ابزار همدردی با نیازمند، تا سر حد بی‌نیازی به او کمک می‌کند.

۴-۲-۳. بی‌بهرگی فرد خیر از برکات مستقیم خیررسانی

امام علی (ع) دستور می‌دهند که «جالس الفقراء تزدد شکرا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۳۳۶). با فقیران همنشین باش تا شکرگذار داشته‌های خود باشی. فرد خیر در اثر ارتباط حضوری با فرد نیازمند، از داشته‌های خود احساس رضایت، آرامش و لذت می‌کند. در صورت قطع این رابطه چهره به چهره، فرد دارا با مقایسه دایمی خود با هم‌قطارانش، همواره نسبت به داشته‌های خود احساس نارضایتی و محرومیت می‌کند.

۴-۲-۴. استمرار روابط ناعادلانه در توضیح اولیه منابع

اصلی‌ترین علت شکاف روزافزون میان طبقه دارا و ندار به نوع روابط پولی اولیه در هنگام ارزش‌گذاری بر کالاها یا خدمات صورت می‌گیرد. زمانی که رابطه میان کارگر و کارفرما و نوع نگاه کارفرما به کارگر برادرانه و انسان‌دوستانه نباشد، کارفرما به کارگر صرفاً به چشم عامل ارزش افزوده سرمایه‌های نگاه می‌کند، لذا تمام تلاش خود را برای یافتن پرکارترین و ارزانترین کارگر صرف می‌کند. لذا عامل اصلی شکاف نجومی میان طبقه دارا و ندار در همان مرحله نخست توزیع منابع و امکانات رخ می‌دهد. برخی از افراد دارا برای جبران عذاب وجدان خود به دلیل دریافت ناعادلانه در هنگام توضیح اولیه منابع و ارضای حس نوع‌دوستی خود، ممکن است بخش کوچکی از دارایی‌هایش را با منت و خوش‌نامی و معافیت‌های مالیاتی به خیریه‌ها ببخشند. اما در صورت تغییر منظر افراد نسبت به یکدیگر در نهادهای تکافل، این شکاف وسیع طبقاتی می‌تواند به حداقل ممکن برسد.



شکل ۲: آسیب‌های محتوایی خیریه‌ها

۵- ارایه راهکار

جهت ارایه راهکار برای طرح بهترین راه ممکن برای گسترش امر خیر و نیکوکاری در جامعه اسلامی با همان دیدگاه سلبی‌ای که خیریه‌ها مورد نقادی قرار داده شد، به ارایه دو راهکارهای ایجابی با رعایت اولویت می‌پردازیم.

۵-۱. تقویت و احیای نهادهای فعال در حوزه تکافل

تأکید بر احیا و تقویت نهادهای فعال در حوزه تکافل اجتماعی، راهکار اصلی و اولیه اسلام برای گسترش خیرات و مبرآت در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. حوزه تکافل اجتماعی نه تنها در مورد تأمین نیازهای اساسی (خوراک، پوشاک و مسکن) است، بلکه در مورد حقوق طبیعی پنج‌گانه (حق حیات، آزادی، آموزش، شرافت و تملک) نیز صدق می‌کند (السباعی، ۱۹۹۸م: ص ۱۷۵ و ۱۷۶). اهتمام به نهادهای تکافل اجتماعی به معنی تقویت نهادهایی است که افراد نیازمند به طور اصیل و طبیعی به عضویت آنها درآمده‌اند.

براساس میزان و سطح علقه‌ها، وابستگی‌ها و مسئولیت‌پذیری‌های متقابل مشترک می‌توانیم نهادهای موضوع تکافل را طبقه‌بندی کنیم. «تکافل می‌تواند بین فرد و خودش، بین فرد و نزدیکانش، بین فرد و اجتماع، بین امت و امت‌ها و بین یک نسل و دیگر نسل‌ها باشد» (قطب، بی تا: ص ۵۳). پس از تتبع در قرآن و عترت به نهادهای موضوع پی‌می‌بریم. این نهادها عبارتند از: نهاد خانواده، نهاد خویشاوندی، نهاد عشیره، نهاد همسایه، نهاد دوستی و نهاد اخوت و برادری. این نهادها بستر تحقق عملی امر خیر و نیکوکاری، بر اساس مبانی تکافل در جامعه اسلامی را فراهم می‌آورند. به میزانی که در هر کدام از این نهادها روابطی عمیق‌تر وجود داشته باشد، کارکرد آنها در گسترش امر خیر و نیکوکاری گسترده‌تر خواهد بود.

این نهادها هیچ‌کدام از آسیب‌های روشی و محتوایی خیریه‌ها در وضع موجود را ندارند. از یکسو افراد در نهادهای موضوع تکافل، هزینه‌های انجام شده برای فرد دیگر را هزینه برای غیر خود به حساب نمی‌آورند. به عنوان مثال هزینه‌هایی که یک پدر برای فرزندش می‌کند، مخارج خانواده محسوب می‌شود نه مخارج شخص پدر. به دلیل ارتباط مستقیم افراد نیکوکار و نیازمند احتمال ابتلای نهادهای موضوع تکافل به آسیب‌های محتوایی خیریه‌ها بسیار پایین است.

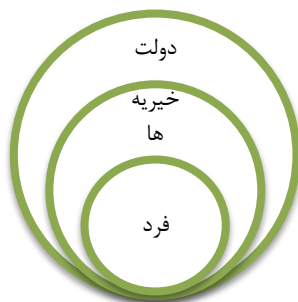
پیامبر (ص) در مورد اولویت خویشاوندان در صدقه دادن می‌فرماید: «لَا صَدَقَةً وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَاجٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ص ۶۸). آنجا که خویشاوند نیازمندی وجود داشته باشد جای صدقه دادن به دیگری نیست. همچنین ایشان خیرات و بخشش‌ها را اینگونه درجه‌بندی می‌کنند: «ثواب یک درهم صدقه ده درهم، و ثواب یک درهم قرض هجده درهم، و ثواب یک درهم صله اخوان بیست درهم، و ثواب یک درهم صله رحم بیست و چهار درهم است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ص ۶۷). فردی از امام صادق (ع) پرسید که صدقه را به گدایانی که بر در خانه‌ها می‌آیند، بدهیم یا

به آنها ندهیم و نگهداریم تا به خویشاوندان خود بدهیم؟ امام صادق(ع) در پاسخ فرمودند: «لَا بَلْ يَبْعَثُ بِهَا إِلَى مَنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ قَرَابَةٌ فَهَذَا أَكْبَرُ لِلْأَجْرِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ص ۱۴۲). نه، بلکه باید صدقه را به خویشان داد؛ زیرا پاداشش بیشتر است.

پیامبر(ص) رسیدگی به همسایگان را یکی از ملاک‌های جامعه ایمانی برشمرده و می‌فرماید: «هر کس با شکم سیر بخوابد درحالی که همسایه او گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است. اگر اهل یک منطقه و آبادی شب را به صبح برسانند در حالی که در میان آنها یک نفر گرسنه وجود داشته باشد، خداوند به هیچکدام از آنها در روز قیامت، نظر رحمت نخواهد داشت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۶۶۸). ایشان درباره کارکردهای نهاد همسایه در محرومیت‌زدایی می‌فرمایند: «حسن الجوار یعمّر الدیار و ینسئ فی الأعمار» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۶۶۷). رعایت حقوق همسایه، باعث عمران و آبادانی شهرها و افزایش عمر افراد می‌شود. طبق این روایات یکی از ملاک‌های مهم توسعه‌یافتگی جوامع، سطح ارتباط متقابل خویشاوندان و همسایگان در آن جامعه است. به میزانی که این ارتباط مستحکم‌تر باشد، آن جامعه توسعه‌یافته‌تر است. اما اگر در جامعه‌ای هر خانه، چون سلول‌های انفرادی یک زندان تعریف شود که زندانی در آن، از سلول کناری اطلاعی ندارد، نرخ امید به زندگی و نرخ رفاه در آن جامعه توسعه‌نیافته پایین خواهد بود.

در باب نهاد حقوق برادران دینی امام باقر(ع) می‌فرماید: «از جمله حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که گرسنگی او را سیر کند و پوشاک او را تأمین کند و از گرفتاریش نجات بخشد و بدهیش را بپردازد و چون بمیرد سرپرستی خانواده و فرزندان را عهده‌دار شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۱۶۹). همچنین امام صادق(ع) درباره اهمیت و اولویت رسیدگی جامعه ایمانی به یکدیگر می‌فرماید: «اگر یک درهم به برادر مسلمان خود عطا کنم، بهتر می‌دانم که صد درهم صدقه بدهم و یک لقمه که برادر مسلمانم بخورد، از آزاد کردن برده نزد من محبوب‌تر است» (ابن بابویه، ۱۴۰۲ق: ص ۳۸).

از این مجموعه روایات موجود درباب تکافل اجتماعی استنباط می‌شود که بهترین راه ترویج امر خیر و نیکوکاری در جامعه اسلامی، از مجرای نهادهای تکافل اجتماعی صورت می‌پذیرد. در جامعه اسلامی نظام محله با محوریت مسجد و ائمه جمعه و جماعت، وظیفه اصلی شناسایی و رسیدگی به نیازمندان را برعهده دارند. این نهادها به دلیل شناخت بیشتر به نوع و مقدار نیاز افراد، توان بیشتر با ضریب خطای کمتری نسبت به خیریه‌ها برای توزیع منابع محدود با اولویت‌بندی درست دارند.



شکل ۳: جایگاه نادرست خیریه‌ها



شکل ۴: نهادهای فعال در حوزه تکافل و نیکوکاری و جایگاه مطلوب خیریه‌ها در آن

۵-۲. تغییر کارکرد خیریه‌ها از دلالتی به واسطه‌گری

همانطور که اشاره شد یکی از چالش‌های مؤسسات خیریه عدم درگیر شدن آنها با زندگی جامعه هدف است. یکی از نقاط قوت نهادهای خیریه در گذشته واسطه‌گری برای ارتباط مستقیم و نزدیک میان بانیان خیر و متن و بطن زندگی افراد نیازمند بود (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۵: ص ۳۰۷). مؤسسات خیریه در دوران کنونی به جای این که همچون مشاورین املاک دلال امر خیر شوند و بخش قابل توجهی از خیرات و نذورات را صرف هزینه‌های جاری مؤسسات خیریه و پرسنل آن کنند، باید با تأکید بر نقش واسطه‌گری خود در اتصال و ارتباط و معرفی گروه‌ها و مناطق محروم و بی‌کس و کار به افراد خیر و نیکوکار جامعه ایمانی، نقش مکملی در تقویت نهاد اخوت و برادری ایفا کنند. بنابراین خیریه‌ها باید کاملاً داوطلبانه و غیرانتفاعی باشند. در مواردی که عموم جامعه ایمانی امکان رسیدگی به محرومین را دارند در درجه نخست بدون اینکه از خیرین دریافتی مستقیم داشته باشند، تنها باید نقش شناسایی میدانی و معرفی افراد نیازمند به افراد خیر را داشته باشند. در درجه دوم و به عنوان استثنای این قاعده، در صورتی که افراد خیر به دلایلی چون بیماری و ناتوانی نتوانند مستقیماً به افراد نیازمند کنند به خیریه‌ها در این امر وکالت می‌دهند. در مواردی همچون درمان بیماری‌های خاص مثل سرطان که اصالتاً وکالت‌پذیر است، خیریه‌ها می‌توانند به صورت مستقل عمل کنند. در نگاه آرمانی، خیریه‌ها در درون مساجد به عنوان پایگاه‌های شناسایی نیازمندان و رسیدگی به آنها شکل می‌گیرند. هر محله یک مسجد و هر مسجد یک خیریه در درون خود باید داشته باشد. در صورتی که یک محله نسبت خیرین آنها بیش از نیازمندان آن باشد، خیررسانی به محله‌های دیگر سرایت می‌کند.

نتیجه‌گیری

خیریه‌ها با این وضع موجود، راهکار اولیه و اصلی مدنظر اسلام برای گسترش فرهنگ احسان و نیکوکاری در جامعه اسلامی محسوب نمی‌شوند. بلکه گسترش بیش از حد و لجام‌گسیخته آنها می‌تواند باعث کاهش حجم خیرات و تقلیل کارکردهای جانبی خیررسانی در جامعه گردد. راهکار اصلی و اولیه و کامل اسلام برای تأمین تمام نیازها و حل همه مشکلات پایبندی به نظریه تکافل اجتماعی است. هرچند خیریه‌ها با تخصصی شدن از یکسو و اصلاح اشکالات روشی خود و با ادغام در نهاد مسجد از سوی دیگر، می‌توانند به حیات خود ادامه دهند.

ممکن است سؤالی مهم به ذهن متبادر شود که با مدرنیته شدن جوامع، نهادهای موضوع تکافل، در هر صورت تضعیف خواهند شد و احیا کردن آنها عملی نیست و ما مجبوریم دست به دامن مسکن‌هایی چون خیریه‌ها شویم. با دو تحلیل می‌توان پاسخ‌های مختلفی به این سؤال مهم داد. در تحلیلی برون‌گفتمانی، مدرنیته یک مصنوع بشری است و هیچ مصنوع بشری وجود ندارد که دستخوش تحول نگردد، هرچند ممکن است شروع این تحول قرن‌ها طول بکشد. با نگاهی به تاریخ تمدن‌های بشری به خوبی پی به این حقیقت می‌بریم که همان‌طور که سیطره و هیمنه مسیحیت بر اروپای قرون وسطا نتوانست پایدار بماند، سیطره و نفوذ مدرنیته بر مناطق تحت نفوذش ابدی نخواهد بود. مدرنیته تنها تا زمانی هر آنچه سخت و

استوار است را دود می‌کند و به هوا می‌برد که نزد طرفدارانش محبوب و مقبول باشد، اما زمانی که مبانی و محصولات آن -همچون تمدن‌های پیشین- به چالش کشیده شود و پارادایم‌های رقیبی برای سبک زندگی بهتر، تولید یا بازتولید شوند، خودِ مدرنیته به تدریج دود می‌شود و به هوا می‌رود.

در تحلیلی درون‌گفتمانی، اگر هدف از مدرن شدن جوامع ارتقاء سطح کیفی و کمی زندگی انسان‌ها یا رسیدن به سعادت است، تضعیف یا حذف نهادهایی که فرد به طور طبیعی عضو آنهاست و پاسخگوی سطح وسیعی از نیازهای مادی و غیرمادی او هستند، حداقل انحرافی از آرمان مدرنیته به حساب خواهد آمد. اینکه هر کدام از نهادهای فعال در حوزه تکافل چگونه می‌توانند تقویت و احیا شوند و در هر یک از آسیب‌های اجتماعی موجود نقش‌آفرینی کنند، خود نیازمند پژوهش‌های مستقل دیگری است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی. مصادقه الإخوان، مکتبه الإمام صاحب الزمان العامة، ۱۴۰۲ق، الکاظمیة.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق، قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق، قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲، قم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. دعائم الإسلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵، قم.
- بستانی، فواد افرام. فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵، تهران.
- برتالنفی. لودویگ فون (۱۳۶۶). مبانی. تکامل و کاربردهای نظریه عمومی سیستم‌ها. (ترجمه کیومرث پریانی). تهران: تندر بهنام، جمشید. تحولات خانواده (پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون)، ترجمه محمدجعفر پوینده، ماهی، ۱۳۸۳، تهران.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، دنیای دانش، ۱۳۶۳، تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۱۰ق، قم.
- حسین پور. رضا. تجزیه و تحلیل سیستمی مرحله طراحی برنامه درسی در نظام برنامه ریزی درسی؛ در اولین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، ۱۳۹۵.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی. الحیة، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، تهران.
- ذهبیات، عباس. التكافل الإجتماعی فی مدرسة اهل البيت (علیهم السلام)، مرکز الرسالة، ۱۴۲۵ق، قم.
- زاهدی. شمس‌السادات. تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌ها، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹، تهران.
- فرشاد، مهدی. نگرش سیستمی، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، تهران.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغة، هجرت، ۱۴۱۴ق، قم.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق، قم.
- السباعی، مصطفی. التكافل الإجتماعی فی الإسلام، دارالوراث للنشر و التوزیع، ۱۹۹۸م، ریاض.
- الصدر، محمدباقر. اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر)، مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر، ۱۴۲۴ق، قم.
- طغیانی، مهدی؛ درخشان، مرتضی. اقتصاد وقف و خیریه، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵، تهران.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الإمامیة، المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق، تهران.
- قطب، سید. العدالة الإجتماعیة فی الإسلام، دارالشروق، بی‌تا، قاهره.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. الکافی، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق، تهران.

Maslow, Abraham H(1970). **Motivation and personality**, New York: harper & Row

مصابحه با خلیل‌زاده، قائم مقام قرارگاه جهادی امام رضا(ع)، ۱۳۹۵/۰۷/۱۸